

نقد و بررسی ادبیات مکاشفه‌ای در آیین یهود

عبدالحسین ابراهیمی سروعلیا* / امیر خواص**

چکیده

بحث «آینده» و مباحث مربوط به آن، به ویژه فرجام‌شناسی و آخرالزمان در آیین یهود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با نگاهی به مکاشفه انبیای یهود در کتاب مقدس، می‌بینیم بیشتر آنان درباره آینده قوم و سرزمین یهود مکاشفه و رویاهایی دارند. هدف این پژوهش نقد و بررسی مکاشفه‌های انبیای یهود درباره آینده آنان و اورشلیم و نجات آن قوم در آخرالزمان بر اساس متون مقدس است. ادبیات مکاشفه‌ای در میان قوم یهود از اهمیت والایی برخوردار است؛ زیرا هم‌اکنون فرقه‌هایی از یهود با مهم دانستن این موضوع، درصدد تشکیل دولت و قوم بزرگ یهود هستند. پس از تعریف واژگان مرتبط، به برخی از مکاشفه‌های انبیای یهود و نوع مکاشفه آنان و پیش‌گویی سرنوشت بد یا آینده خوب قوم یهود اشاره شده است.

کلید واژه: مکاشفه، وحی، الهام، رؤیا، فرجام‌شناسی، پیش‌گویی، آیین یهود.

مقدمه

امروزه موضوع آینده جهان از بحث‌های مهم در ادیان، و بلکه مسئله مهم بشر در همه علوم انسانی است. بررسی موضوع آینده، پیش‌گویی، مکاشفه و ادبیات اپوکالیپس^۱، بحث‌های آخرالزمانی و تغییرات کیهانی و طبیعی و سرنوشت انسان‌ها در آموزه‌های دینی بسیار پررنگ است. فرجام‌شناسی فردی، یعنی برپایی قیامت و معاد یکی از ارکان ادیان توحیدی است. ولی آنچه در این مقاله، به آن می‌پردازیم، فرجام‌شناسی به معنای عام و جهانی آن می‌باشد و با بهره‌گیری از متون مقدس و تحلیل آنها، در پی شناخت این هستیم که انبیای یهود درباره آینده قوم خود چه پیش‌گویی کرده‌اند و این پیش‌گویی‌ها چه پیامدهایی داشته است.

این بررسی نشان می‌دهد که پیش‌گویی‌ها و مکاشفات انبیای یهود، بر اساس آنچه در کتاب مقدس آمده و بیشتر به آینده یهود مربوط می‌شود، نمی‌تواند بهانه برخی از فرقه‌های یهود برای تأسیس دولت یهود یا بازسازی اورشلیم قرار گیرد. آنان امید خود را به آینده، بر نجات اورشلیم از طریق ایجاد دولت یهودی در صهیون معطوف نموده و تأکید می‌کنند که صهیون هسته مرکزی پادشاهی جهانی عدالت و تقوای اخلاقی است^۲، ولی این عقیده با آموزه‌های یهودیت سنتی یهود سازگاری ندارد.

در همین آغاز به این نکته اشاره می‌کنیم که مکاشفه‌ها از دو دیدگاه مهم دینی و سیاسی قابل بررسی است که در اینجا ما به جنبه دینی آن می‌پردازیم.

تعریف واژگان

۱. مکاشفه در لغت

«مکاشفه»^۳ از ریشه «کشف»، در لغت به معنای «رفع الشیء عما یواریه و یغطیه» یعنی کنار زدن ستر و پوشش شیء^۴ یا رفع حجاب^۵ و آشکار کردن، فاش کردن و معلوم کردن است. «مکاشفه» در اصطلاح به معنای دستیابی به علوم یا معارف از راه غیر عادی است. قیصری در معنای اصطلاحی آن بر آگاهی از ماورای حجاب، یعنی معانی غیبی و امور واقعی تأکید می‌کند، چه وجدانی باشد یا با مشاهده^۶ عرفان یهودی، قبلا یا کابالا^۷، که به معنای سنت یا سنت انتقال‌پذیر^۸ مشهور است، پیوند نزدیکی با مکاشفه دارد. به عقیده ایزیدور اپستاین، عرفان یهودی نوعی مکاشفه کلام است.^۹

کشف اسرار خلقت و پرداختن به حوادث آخرالزمان و دخالت خداوند، ارکان ادبیات اپوکالیپس را تشکیل می‌دهد. واژه «اپوکالیپس» ژانر ادبی است که از اثر مکاشفه‌ای مشهور مکاشفه یوحنا در عهدجدید گرفته شده است. سابقه اپوکالیپس به عنوان ژانر ادبیاتی، جلوتر از عنوان این کتاب است. از قرن سوم به بعد، شاهد این ادبیات در یهودیت هستیم که کتاب دانیال یکی از آنهاست.^{۱۰}

اپوکالیپس که به یونانی به معنی مکاشفه است، چنان که در کتاب دانیال و مکاشفه یوحنا آمده است، ادبیاتی است که اسرار ماورای مرزهای دانش طبیعی مانند اسرار آسمان و نظم عالم، وظایف فرشتگان، پدیده‌های طبیعی، اسرار آفرینش و پایان دوران را آشکار می‌سازد. اپوکالیپس در الاهیات یهود، با آفرینش و سپس وحی شروع و با نجات بنی‌اسرائیل یعنی قوم برگزیده خدا پایان می‌یابد. به عقیده آنان، از آنجا که یهود علت آفرینش انسان است، نجات انسان یعنی نجات یهود.

سارا رابینسون در مورد خاستگاه متون اپوکالیپتیکی و رابطه آن با پیش‌گویی، سخن یکی از محققان به نام استفان کوک^{۱۱} را نقل می‌کند که قایل است اصول و ریشه‌های اپوکالیپتیکی در خود سنت‌های بنی‌اسرائیل باقی ماند. وی این دیدگاه بسیار رایج محققان را نمی‌پذیرد که اپوکالیپتیسیم^{۱۲} زائیده پیش‌گویی است؛ یعنی مبانی ادبیات مکاشفه‌ای در یهودیت منشأ نبوتی ندارد و در خود سنت‌های یهودی ماندگار شد. گرچه کوک از اهمیت پیش‌گویی‌ها برای نوشته‌های اپوکالیپتیکی آگاه است و اصطلاح «پیش‌اپوکالیپتیکی»^{۱۳} را به کار می‌برد، ولی مخالفت اصلی او با کسانی است که گروه‌های انجمن سری را در ایجاد متون مکاشفه‌ای موثر می‌دانند. وی با استناد به این سخن محققان که «حکمت، منشأ ادبیات مکاشفه‌ای است»، معتقد است که می‌توان دیگر محافل مانند انجمن‌های کشیشی را نیز در شمار منابع ادبیات مکاشفه‌ای آورد.^{۱۴}

دیوید فلاشر با اشاره به پرداختن تلمود به این نوع نوشته‌ها، می‌گوید: دو نوع برخورد با نوشته‌های مکاشفه‌ای در آثار تلمودی مشاهده می‌شود. ایشان با اشاره به پیشینه مکاشفه نویسی، از برخورد سخت سنت شفاهی یهود با این نوشته سخن می‌گوید:

نخستین بار واژه «اپوکالیپس» بر نوشته‌های یوحنا اطلاق شد. مسیحیان از قرن دوم میلادی آن را برای نوشته‌های مشابه به‌کار بردند. در بارایتنا^{۱۵} اصطلاح گیلایون^{۱۶} ظاهراً به نوشته‌های اپوکالیپتیکی اشاره می‌کند: این نوشته‌ها و کتاب‌های بدعت‌آمیز نه تنها باید از

سوختن محافظت نشوند، بلکه هر کجا یافت می‌شوند باید آنها و اسامی غیب‌گویانه‌ای که در آن آمده، سوزانده شوند.^{۱۷} اما خیلی سخت می‌توان باور کرد که تناییم^{۱۸} چنین برخوردی با نوشته‌های اپوکالیپتیکی یهود داشته باشد.^{۱۹}

۲. فرجام‌شناسی

از انجایی که مفاهیمی مانند فرجام‌شناسی و پیش‌گویی و رؤیا به نوعی با مکاشفه در ارتباط هستند ناچار به توضیح آنها هستیم. برای مثال بسیاری از مکاشفه‌های انبیای یهود که از طریق وحی یا رؤیا آشکار شده درباره فرجام این قوم به صورت پیش‌گویی برای آنان بیان گردیده است. در هر کتاب لغت یا دایره‌المعارف که درباره مکاشفه بحثی شده از نبوت و رؤیا نیز سخن گفته شده است.

همانگونه که ادیان، آغاز جهان و مفاهیمی مانند خلقت، جهان، کیهان و انسان را بررسی کرده‌اند، به فرجام جهان نیز پرداخته‌اند. فرجام‌شناسی یا اسکاتولوژی^{۲۰} برگرفته از واژه یونانی (Eschata و Eschatos) به معنای آخر وقت یا کارهایی بلافاصله قبل از خواب و یا به معنای «آخر» یا «بعد»^{۲۱} یا پایان کل تاریخ و حوادث پس از مرگ است.^{۲۲}

۳. وحی

«وحی» در لغت معنای گسترده‌ای دارد: به اشاره، نوشتن، نوشته، رساله، پیام، سخن پوشیده، اعلام در پنهان و شتاب^{۲۳} و هر کلام یا نوشته یا پیغام یا اشاره‌ای که به دور از توجه دیگران القا و تفهیم شود وحی گفته می‌شود. در مفردات راغب، اصل وحی به معنای اشاره سریع است و به وسیله کلام به صورت رمز یا اشاره انجام می‌شود.^{۲۴}

«وحی» در یهودیت غالباً به معنای الهام است: «و خداوند به موسی و هارون تکلم نموده...»^{۲۵} و «پس مثل خود را آورده گفت: وحی بلعام بن بعوره، وحی آن مردی که چشمانش باز شده؛ وحی آن کسی که سخنان خدا را شنید.»^{۲۶} بنا به نوشته قاموس الکتاب المقدس، وحی به این معنا است که خدا کتاب مقدس را صادر کرده و شخصیت‌ها از جانب خدا سخن گفته و نظرات و اندیشه‌های شخصی^{۲۷} خود را به مردم القا نکردند. خداوند در هر زمانی، وحی خود را متناسب با آن نسل اعلان می‌کند. این نشان می‌دهد که وحی اقسام و شیوه‌های متعددی دارد.^{۲۸} وقتی که زمان به کمال رسید، وحی خدا در «پسر» یعنی «کلمه متجسد» خدا جلوه گر شد.^{۲۹} بسیاری اوقات، عهد جدید به وحی مستقیم

اصطلاح «نبی» و «نبوت» مختص اسرائیلیان نیست و ریشه بسیار قدیمی دارد. «نبی» در زبان عبری، به معنای سخنگو و اعلام کننده و ندا دهنده است. در آثار قدیم بین النهرین نیز فرستادگانی بودند که سخنگوی پادشاهان بودند. در کتاب مقدس، اصطلاح «نبی» به سه گروه‌های مختلفی اطلاق شده و ابراهیم اولین نبی الوهیم و موسی مهم‌ترین نبی واقعی آنان محسوب می‌شود. نبی به معنای روایت کننده، (رؤا) بیننده (خو-زه) و جمع آنان روییم و خوزیم است.^{۵۱}

«نبوت»، سفارت بین خدا و بندگان و برای درمان دردهای آنان در زندگی دنیا و آخرت است. واژه نبی هم اسم فاعل (خبردهنده) است و هم اسم مفعول (خبردار شده).^{۵۲} نبوت در کتاب مقدس، به معنای پیش‌گویی^{۵۳} است. نبی^{۵۴} برگرفته از کلمه (prophetes) به معنای کسی است که الهامات القا شده الهی را اعلام می‌کند، یا کسی که بصیرت و درون‌بینی اخلاقی و روحانی به او هدیه شده است، به ویژه شاعری که به او الهام شده یا سخنگویی که هادی مردم است، درباره نظریه یا نهضت یا جنبش صحبت می‌کند.

نبوت در عهد عتیق، به معنای اخبار از حوادث آینده است که خداوند منشأ آن است. برخی از پیش‌گویی‌های عهد عتیق محقق شده است که می‌توان به آنها اشاره کرد: سرپیچی از دستورات الهی و گناه بنی‌اسرائیل،^{۵۵} پیش‌گویی درباره داود،^{۵۶} یربعام، آخاب، ایزابل، ایلیا، سلیمان، یوشیا، موآب، مصر، ادوم، آشور، ناحوم، کوش، صور یوئیل، بابل، فلسطینیان، بازگشت اسرای بابلی، میکا، صفتیا و زکریا که در کتاب مقدس آمده است. به طور کلی، نبوت بر سه نوع است: احلام (مانند خواب نبوکدنصر)؛ مکاشفه یا رؤیا^{۵۷} و تبلیغ.^{۵۸، ۵۹}

چنان که در مکاشفه‌ها و پیش‌گویی‌های انبیا خواهیم دید این طور نیست که همه آنها به تحقق سرزمین موعود و گردهم آمدن دوباره یهود یا نجات این قوم اشاره کند؛ بلکه در هر پیش‌گویی درباره آینده خوش، علاوه بر این که از عهد شکنی و تنبیه و نابودی قوم سرکش نیز سخن می‌گوید، وعده‌های امیدبخش را مشروط به پایبندی به شریعت و قانون و عهد با خدا می‌داند. بنابراین اگر تحقق دولت یهود و سرزمین موعود را به پیش‌گویی‌ها مستند می‌کنند باید به پیامدهای پیش‌گویی شده درباره بی‌اعتنایی خدا به قوم و آواره نمودن آنان نیز پایبند باشند.

خداوند به موسی گفت اینک با پدران خود می‌خواهی و این قوم برخاسته در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می‌روند زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست و در آن روز خشم من بر ایشان مشتعل شده ایشان را ترک خواهم نمود و روی خود را از ایشان پنهان کرده، تلف خواهند شد و بدی‌ها و تنگی‌های بسیار به ایشان خواهد رسید... من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد... زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم و چون ایشان خورده و سیر شده و فربه گشته باشند آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته آنها را عبادت خواهند نمود و من را اهانت کرده، عهد مرا خواهند شکست.^{۶۰}

مکاشفه و ادبیات اپوکالیپس در یهودیت

پیشینه مکاشفه نویسی

پیشینه مکاشفه و ادبیات اپوکالیپس به زمان‌های بسیار دور بر می‌گردد. از زمانی که انسان از حکومت ظلم و جور ستم‌کاران به یک منجی روی آورد، این ادبیات نیز رواج یافت. انسان‌ها وقتی نمی‌توانند در دوره‌ای با ظلم مبارزه کنند و حق خود را بازستانند، و یا برای این که آینده بهتری داشته باشند و یا گاهی به دلیل امید به روزهای بهتر، آینده را مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهند و در انتظار آن به سر می‌برند. یهودیان نیز چنین حالتی داشتند، اما برخی اهداف نژادپرستانه و غیر انسانی در آن آمیخته شده است. رابرت هیوم درباره تاریخ نگارش مکاشفات و آثار فردی و اجتماعی این متون می‌گوید: یهود با نوشتن مکاشفه‌ها، که از پایان دوره نبوتی سنتی یعنی ۴۰۰ ق.م تا ۱۰۰^{۶۱} میلادی ظهور یافت، سال‌ها به جای اینکه مسئولیت را بر دوش دیگران بگذارند، امید و توجه و آرزوهای خود را به آینده معطوف کردند. به عقیده وی، خطر این آرمان‌گرایی، اختلال ابتکار فردی و سلب مسئولیت از افراد است، ولی در عوض قدرت دارد تا ایمان قوم یهود را به آینده حفظ کند.^{۶۲}

به طور کلی، محققان با تقسیم مکاشفه‌گرایی به دوره‌های زیر، آنرا مورد بحث قرار داده‌اند:^{۶۳}

۱. مکاشفه‌گرایی یهود تا نهادینه شدن یهود خاخامی (حدود سال ۱۰۰ میلادی)؛

۲. اپوکالیپتیسیم یهودی در دوره میشنا و دوره تلمودی تا ظهور اسلام و فتح کشورهای شرق آسیا (حدود سال ۱۰۰ تا ۶۰۰ میلادی)؛
۳. اپوکالیپتیسیم عرفانی و مسیحی در قرون اولیه میلاد مسیح؛
۴. یهودیت قرون وسطا و اپوکالیپتیسیم مسیحی (از روزهای اولیه اسلام تا قرن ۱۳)؛
۵. اپوکالیپتیسیم از قرن ۱۳ به بعد.

برخی معتقدند که تحریف مکاشفه‌های یهود، مکاشفه‌های مسیحی را پدید آورده است. پیش از آمدن حضرت مسیح صلی الله علیه و آله، بین سال‌های ۴۰۰ ق.م تا ۱۰۰ م،^{۶۴} مکاشفه‌نامه‌های گوناگونی، (مانند کتاب دانیال)، میان یهودیان رایج بود. مسیحیان نیز کتاب‌های مکاشفه‌ای تازه‌ای نوشتند، و با دستکاری برخی از کتاب‌های مکاشفه یهودیان، آنها را با آرمان‌های مسیحیان هماهنگ کردند.^{۶۵}

عهد عتیق، ابتدا با بخش تاریخی و با سفر پیدایش آغاز می‌شود و دارای پیش‌گویی، حکمت، مناجات و شعر (پنج کتاب) است. پیش‌گویی‌های عهدعتیق در هفده کتاب آمده که عبارتند از: ۱. کتاب اشعیا (طولانی‌ترین و معروف‌ترین کتاب پیش‌گویی در عهد عتیق)؛ ۲. کتاب ارمیا؛ ۳. کتاب مراثی ارمیا (نوحه سرایی بر خرابی اورشلیم)؛ ۴. کتاب حزقیال؛ ۵. کتاب دانیال؛ ۶. کتاب هوشع؛ ۷. کتاب یوئیل؛ ۸. کتاب عاموس؛ ۹. کتاب عوبدیا؛ ۱۰. کتاب یونس؛ ۱۱. کتاب میکاه؛ ۱۲. کتاب ناحوم؛ ۱۳. کتاب حبقوق؛ ۱۴. کتاب صفینا؛ ۱۵. کتاب حجی؛ ۱۶. کتاب زکریا و ۱۷. کتاب ملاکی.

گفتنی است که این کتاب‌ها بدون استثنا بخشی از مطالب خود را به پیش‌گویی انبیا درباره آینده یهود اختصاص داده‌اند که برخی از آنها نیز محقق شده است.

شولتز با مهم دانستن باب‌های اول سفر پیدایش و کتاب مقدس می‌گوید: این متون برای درک کل مکاشفه عهد عتیق و جدید، نقش کاملاً بنیادی دارند؛ زیرا به آفرینش جهان و تاریخ اولیه نژاد بشری می‌پردازد و تأکید می‌کند که باید اجازه داد خود متن با ما سخن بگوید، نه اینکه آن را در قالب مفاهیم علم جدید تفسیر نمود و به عنوان اطلاعات مربوط به دانش امروزی در نظر گرفت.^{۶۶} در مکاشفه‌های یهود، مکاشفه کامل جلال خدا امکان ندارد و هیچ انسانی در هیچ زمانی روی خدا را ندیده است.^{۶۷}

برخی فرقه‌های یهود با متون مکاشفه‌ای مخالف و برخی موافق بوده‌اند. صدوقیان به متون اپوکالیپتیکی علاقه‌ای نداشتند و انتظار آنان از مسیحا مبهم بود. اسنی‌ها^{۶۸} با گذراندن زندگی در بیابان‌ها و آمادگی برای آمدن سلطنت خدا، پایان جهان را نزدیک می‌دانستند و انتظار آنان، اپوکالیپتیک بود.^{۶۹} فریسیان نیز کتاب‌های انبیا را معتبر می‌شمردند. آنان برخی از مفاهیم دینی را با مفاهیم اپوکالیپتیک درآمیخته بودند و انتظار آنان از مسیح، دینی بود، نه سیاسی و حکومتی.^{۷۰} مردم عادی نیز که جمعیت زیادی از یهودیان را تشکیل می‌دادند، از این نوشته‌ها تأثیر پذیرفته بودند.^{۷۱ و ۷۲}

طبقه‌بندی متون مکاشفه‌ای

در طبقه‌بندی کتاب‌های مکاشفه‌ای اختلاف نظر است. اینکه این متون در رده چه ادبیاتی قرار می‌گیرد؟ ادبیات اپوکالیپتیکی،^{۷۳} ادبیات جزمی،^{۷۴} ادبیات حکمی،^{۷۵} یا ادبیات فرجام‌شناختی نبوتی؟ برخی می‌گویند: مکاشفه از نوع ادبیات عقیدتی و دگماتیک است. باید همانند اصول عقاید به آنها ایمان داشت. ولی محققان، کمتر این بحث را جزو ادبیات جزمی شمرده‌اند. اما اگر از نوع ادبیات نبوتی شمرده شود، باید به صورت نمادین و تأویلی مطرح شود. در این صورت، برای افراد معنای یکسانی ندارد و در نتیجه می‌توانند آن را بپذیرند یا رد کنند؛ زیرا بسیاری از جریان‌های اپوکالیپتیکی مورد اتفاق همه نیستند. از این جهت که معنای روشن ندارند، معتقدان به این جریان باید افراد واقعاً متعصب و جزم‌گرایی باشند.

در ادبیات مکاشفه‌ای، سخن از شکنجه و تسلی است. مفاهیمی مانند شرور کیهانی و کارهای شرّ موجب ترس انسان‌ها خواهد شد. وظیفه معتقدان این است که بدان را بترسانند و از خوبان حمایت کنند. لازم به یادآوری است که محور بحث ادبیات مکاشفه‌ای و آخرالزمان در اسلام، حضرت ولی عصر^ع است و این مورد بر خلاف حوادث فرجام‌شناسانه یهودیت و مسیحیت، تأویلی و نمادین نیست بلکه حقایق به صورت عینی مطرح شده است. در مسیحیت، این ادبیات بر مسیح و حضرت عیسی^ع متمرکز است. از انسان‌ها انتظار می‌رود که با تعامل مثبت و فعال نه منفعل، در تحقق این امر نقش خود را ایفا کنند. در یهودیت نیز چنان که خواهیم دید بر تحقق سرزمین موعود و خروج از مصیبت و یافتن آرامش و گاهی تنبیه و رسوایی و عذاب و مجازات قوم است.

به طور کلی اپوکالیپتیسیم شباهت‌های اساسی پدیدارشناختی گوناگونی با پیش‌گویی کتاب مقدس دارد. در حقیقت، اپوکالیپس می‌تواند پدیده‌ای فرانبوتی توصیف شود. با این حال، دانشوران نیز اشاره می‌کنند که اپوکالیپتیسیم شباهت نزدیکی به قطعه‌های معروف حکمت در کتاب مقدس مانند امثال سلیمان، ایوب و کتاب جامعه دارد: این مسئله همواره مورد بحث بوده که آیا اپوکالیپتیسیم در قالب و روح به نبوت و پیش‌گویی نزدیک‌تر است، یا حکمت؟^{۷۶}

با توجه به معنای مکاشفه می‌توان دریافت که مکاشفه مربوط به اموری است پنهان از دید عموم مردم که توسط مکاشفه‌گر کشف می‌شود. پیش‌گویی، خبر دادن از حادثه‌ای است که در آینده رخ خواهد داد و آگاهی از این پیش‌گویی با مکاشفه است و مکاشفه به یکی از روش‌های رؤیا، الهام یا وحی است. مکاشفه از حقیقتی همزمان با وجود مکاشفه‌گر و یا گاهی از حقیقتی مربوط به زمان گذشته حکایت می‌کند ولی پیش‌گویی مربوط به زمان آینده است. در مکاشفه معمولاً از نمادها و اموری شگفت‌انگیز و خارق‌العاده بحث می‌شود و مربوط به حقایق الهی است ولی در پیش‌گویی‌ها همیشه لزوماً اینگونه نیست. اپوکالیپس در زبان یونانی به معنای مکاشفه است و به حوادث فاجعه‌بار آخرالزمان می‌پردازد.

انواع مکاشفه

مکاشفات یهود را به دو نوع کلی تقسیم کرده‌اند: مشهورترین آنها مکاشفه تاریخی است که در کتاب دانیال، عزرا، باروک ۲ و برخی از بخش‌های کتاب اول خنوخ یافت می‌شود. مکاشفه‌های تاریخی، که در آنها مناظر به صورت تمثیلی است و فرشته آنها را تفسیر می‌کند، شامل تقسیم تاریخ به مجموع چند دوره و رستاخیز مردگان می‌شود که بعدها در هزاره‌گرایی^{۷۷} ادغام شد. نوع دوم مکاشفه یهودی نیز سفر روحانی است. مانند «کتاب مراقبان»^{۷۸} در کتاب دوم خنوخ، که در آن خنوخ به پیشگاه خدا صعود و از سیر و سیاحت در آسمان و عالم فرشتگان و پایان جهان بحث می‌کند.^{۷۹} با کشف طومارهای بحرالमित در سال ۱۹۴۷، قدیمی‌ترین مکاشفه‌های یهود نیز که به زبان آرامی باستانی بود، کشف شد. اولین و کهن‌ترین کتاب از مجموعه اول خنوخ، «کتاب مراقبان» بود که تشبیه ادبی و اپوکالیپتیکی در آن شامل شخصیت «پسر انسان» می‌شود و اولین بار در نوشته‌های یهود ظهور یافت.^{۸۰} این کتب جزو کتب قانونی درجه دوم^{۸۱} شمرده می‌شوند.

معیارهای متون مکاشفه‌ای

با چه معیاری می‌توان گفت یک متن جزو متون مکاشفه‌ای است. پدیدارشناسان دین، پنج معیار متفاوت را برای شناخت متون مکاشفه‌ای بیان می‌کنند:^{۸۲}

۱. منشأ یا نویسنده متون مکاشفه‌ای باید خدا، روح، اجداد، قدرت یا نیروی جادویی باشد. به‌طور کلی، منشأ مکاشفه، ماوراءالطبیعه یا امری فوق‌العاده است.
 ۲. ابزار و وسایل مکاشفه، نشانه‌هایی مقدس در طبیعت (مانند ستارگان، حیوانات یا مکان‌های مقدس یا زمان‌های مقدس)، خواب، الهام، خلسه و در نهایت، کلمات یا کتب مقدس باشند.
 ۳. سیاق یا موضوع مکاشفه، آموزش، وعده، وقوع مجازات، آرزوی مجازات و کار یا ماموریت الهی باشد.
 ۴. دریافت‌کننده مکاشفه یا فرد مورد خطاب، باید جادوگر، ساحر، روحانی از جان گذشته، کشیش یا کاهن، فال‌بینان و یا انبیا همراه با مأموریت یا اطلاعاتی برای افراد یا گروه‌ها یا مردم یا نژاد کامل باشد.
 ۵. تأثیر و نتیجه‌ای که مکاشفه برای دریافت‌کننده دارد عبارت است از: دستورالعمل یا عقیده شخصی، مأموریت الهی و خدمت به عنوان پیش‌گو، که همه از طریق الهام یا حالت متعالی به واسطه تجسم^{۸۳} صورت می‌گیرد.
- همچنین برای تمایز بین ژانر ادبی اپوکالیپتیکی و نوشته‌های متون مقدس، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای متون اپوکالیپتیکی در نظر گرفت:^{۸۴}
۱. نوشته‌های اپوکالیپتیکی الهاماتی درباره آسمان‌ها به شخص اعطا و دانش سری را به او ابلاغ می‌کند که درباره طبیعت و امور پنهانی تاریخ است، نه این‌که آنها دربرگیرنده مکاشفه‌هایی مطابق متون مقدس باشند و دقیقاً به عنوان دانشی ارائه شوند که مربوط به خدا است.
 ۲. سبکی ادبی که دارای تمثیل زیاد و نمادهای برجسته‌اند.
 ۳. دربردارنده مطالب فرشته‌شناسی‌اند و فرشته نقش مهمی به عنوان مفسر منظره و قانونمندکننده پدیده طبیعی و ... ایفا می‌کند.

۴. تقسیم بندی تاریخ در آنها مشهود است.
۵. معرفی کننده دوگانگی خیر و شر و درگیری بین آنها هستند.

مکاشفه و پیش‌گویی انبیای یهود

با نگاهی به متون مقدس، درمی‌یابیم که بیشتر انبیای بنی‌اسرائیل دارای مکاشفه بودند. قوم و حاکمان زمان خود را یا هشدار می‌دادند یا به اخبار ترسناک آینده تهدید می‌نمودند. مکاشفه دانیال و پیش‌گویی اشعیا در این زمینه، شهرت و صراحت بیشتری دارند. مکاشفات این انبیا، که برخی به آینده یا فرجام جهان و برخی به زمان حضور مکاشفه‌گر و برخی به چند سال پس از زمان مکاشفه مربوط می‌شود، عبارتند از:

۱. اول خنوخ (مکاشفه خنوخ به زبان حبشی)؛
۲. دوم خنوخ (مکاشفه خنوخ به زبان اسلاوی)؛
۳. سوم خنوخ (مکاشفه خنوخ به زبان عبری)؛
۴. رساله سام؛
۵. اپوکریفای حزقیال؛
۶. کتاب چهارم عزرا؛
۷. مکاشفه یونانی عزرا؛
۸. رؤیای عزرا؛
۹. مسائل عزرا؛
۱۰. مکاشفه عزرا؛
۱۱. مکاشفه ابراهیم؛
۱۲. مکاشفه شدرك (به معنای پادشاه من)؛^{۸۵ و ۸۶}
۱۳. کتاب دوم باروخ به معنای مبارک (مکاشفه باروخ به زبان سریانی).^{۸۷ و ۸۸}
۱۴. کتاب سوم باروخ (مکاشفه باروخ به زبان یونانی).

در اینجا به توضیح برخی از مهم‌ترین مکاشفه‌های انبیای یهود می‌پردازیم و چنان‌که خواهیم دید این مکاشفه‌ها نمی‌توانند مستمسک یهود برای تشکیل دولت و ایجاد سرزمین مستقل باشند زیرا وعده سرزمین موعود برای آنان محقق شده است. در ادامه درباره این وعده‌ها و نقد آنها سخن خواهیم گفت.

مکاشفه دانیال

پیش‌گویی‌های مشهور دانیال زمانی مطرح شدند که شکنجه‌ها و رنج‌های زیادی بر یهود وارد می‌شد. این کتاب، آینده بنی‌اسرائیل را پیش‌گویی می‌کند و به آنان وعده می‌دهد که مسیحا آنان را نجات خواهد داد.^{۸۹} این اثر مشهور اپوکالیپتیکی، که به زبان عبری ترجمه شد و به زمان پیش از میلاد برمی‌گردد، در پاسخ به آزارهای آنتیوخوس اپیفانوس^{۹۰} و شورش مکابیان (حدود ۱۶۸ ق.م) نوشته شد.^{۹۱} دیوید فلاشر نیز می‌گوید: بخش‌های اپوکالیپتیکی این کتاب به روزهای نخستین شورش حسمونیان^{۹۲} بر می‌گردد.^{۹۳}

جولیوس گرینستون با بیان این نکته که حتی کسانی که این پیش‌گویی‌ها را مربوط به زمان تبعید در بابل می‌دانند، رؤیاهای این کتاب را به دوره آزار حاکمان سوریه برمی‌گردانند، بر این نکته تأکید می‌کند: که در پیش‌گویی‌های دانیال، تا حدی اشاره‌های رازگونه به پیش‌گویی‌های مسیحایی واقعی دارد.^{۹۴} از آنجایی که مردمان شاد کتاب‌های مکاشفه‌ای نمی‌نویسند،^{۹۵} نوشتن مکاشفه‌ها دلیل وجود ناامیدی و رنجی است که در آن زمان بوده است. یهودیان که در طول تاریخ همواره در گرفتاری و مصیبت بودند، اندیشه آخرالزمانی آنان تقویت شده بود. آنان به دست آشوری‌ها و بابلی‌ها عذاب شدند و تخریب معبد و بیت المقدس را به دست تیتوس و آدریانوس دیدند. این امور موجب روی آوردن به متون مکاشفه‌ای شد. آنان به جای توجه به وضعیت موجود و با تصور حتمی بودن نجات برای قوم برگزیده، به آینده توجه کردند.^{۹۶}

معمولاً کتاب دانیال را به دو بخش تقسیم می‌کنند: شش باب اول به عنوان «تاریخ» و شش باب بعدی به عنوان «نبوت» مشخص می‌شوند. در بخش نخست، دانیال با ضمیر سوم شخص، به عنوان عامل مکاشفه به خود اشاره کرده و در بخش بعد، به عنوان اول شخص، پیش‌گویی‌های خود را بیان می‌کند. برخی عقیده دارند که دانیال این کتاب را در قرن ششم ق.م، یا کمی بعد از آن و برخی دیگر عقیده دارند که آن را با محتوای اپوکالیپتیکی در دوره مکابیان در قرن دوم قبل از میلاد نوشته است.^{۹۷}

ادبیات کتاب دانیال، همانند صحنه‌های فیلم به صورتی زیبا به تصویر کشیده شده و به ادبیات نمایشی شبیه است که به ناچار هر چهره‌ای در آن ایفای نقش می‌کند؛ به این صورت که از زبان اینها حوادث آینده پیش‌گویی می‌شود. جالب اینکه معمولاً این

شخصیت‌ها مورد اعتمادند و مقدمات زیادی رخ می‌دهد تا آنان به عنوان انسان‌های امین جلوه کنند؛ زیرا می‌خواهند از امری غیبی خبر دهند. از این رو، باید شخصیت کاریزماتیک نیرومندی داشته باشند. عدالت و پیش‌گویی‌هایشان باید بارها مورد تأیید قرار گرفته باشد تا بتواند در مورد خبر دادن از آینده چند صد سال و یا چندین هزار سال دیگر موفق باشند. سخن آنان باید در دل مردم نفوذ کند و ایمان به این حقیقت را در دل آنان ایجاد نماید. دانیال در برابر پادشاه درباره علم خود به اسرار و حوادث پایان دوران می‌گوید: «خدایی در آسمان هست که کاشف اسرار می‌باشد و او نبوکدنصر پادشاه را از آنچه در ایام آخر واقع خواهد شد، اعلام نموده است...»^{۹۸}.

پس از تعبیر رویای پادشاه توسط دانیال، پادشاه به او اعتماد می‌کند و با سجده در برابر دانیال فرمان می‌دهد که هدایا و عطریات برای او فراهم کنند و می‌گوید: «به درستی که خدای شما خدای خدایان و یهوه پادشاهان و کاشف اسرار است چونکه تو قادر بر کشف این راز شده‌ای»^{۹۹}.

ابواب کتاب دانیال

در هر داستانی با پنج پرسش مهم مواجه هستیم. به نویسنده بستگی دارد که هر کدام را کجا قرار داده و چگونه تدوین کند: چه چیزی؟ چه کسی؟ کجا؟ چرا؟ چه زمانی؟ در باب اول، دانیال روندی از جنگ بین دو پادشاه و باز پس گرفتن بیت المال و برگرداندن آن به جای خود، به اراده خداوند مشاهده می‌شود. اراده خداوند نقش مهمی در داستان دارد. این اراده در بیشتر بخش‌های داستان تکرار می‌شود. این اصطلاح اکنون نیز در برنامه سیاستمداران نقش مهمی دارد. در اینجا با توجه به اهمیت این داستان که قوی‌ترین کتاب اپوکالیپتیکی عهد عتیق است، خلاصه دو باب اول آن را بیان می‌کنیم:

آغاز باب اول، با انتخاب نگهبان برای تشریفات مخصوص پادشاه و بیان ویژگی دانیال و امتیاز او در فهم رؤیا و اقامت دانیال در نزد پادشاه است.

باب دوم، به شرح حوادث دانیال نزد پادشاه، رؤیای نبوکدنصر و دستور وی برای احضار معبران و انکشاف امر بر دانیال می‌پردازد: پایان دوران، خدای آسمانی جزو مباحث کلیدی این باب است. عناصر داستان در دانیال ۲: ۳۱-۳۶ بیان می‌شود. تمثال عظیم و بی‌نهایت درخشان و اجزای تمثال در رؤیا و تفسیر هر یک توسط دانیال، که شرح آن

می‌آید، اشاره به چهار قدرت جهانی دارد که ظاهراً پیش‌گویی امپراطوری بزرگ بابل، فارس، یونان و روم است. هر کدام از اینها با چهار فلز در رؤیای نبوکد نصر نمایش داده شده‌اند:

سر تمثال (از طلای خالص) اشاره به نبوکدنصر (امپراطوری اول)، سینه و بازوها (از نقره) اشاره به فارس و ماد (امپراطوری دوم)، شکم و ران‌ها (از برنز) اشاره به یونان (امپراطوری سوم)، ساق‌ها و پاها (از آهن و گل) اشاره به روم شرقی و غربی^{۱۰۰} (امپراطوری چهارم و پنجم) و به معنای اتحاد مصنوعی بقایای امپراطور، یعنی ده کشور یا تجزیه نهایی آنان در زمان آخر دارد.^{۱۰۱} در این کتاب، رؤیاهای دیگری مانند رؤیای خرس سیری‌ناپذیر و نمادهای آن وجود دارد که «در دهانش، در میان دندان‌هایش سه دنده بود»^{۱۰۲} بود. احتمالاً به مفهوم فتوحات این حیوان اشاره دارد که در سه جهت انجام شد. همچنین پلنگ چهار بال و چهار سر و حیوانی هولناک و مهیب و بسیار زورآور که بیان آنها مجالی دیگر می‌طلبد.

با دقت در تفسیر دانیال درباره رؤیای نبوکد نصر و اشاره ایشان به نابودی حاکمان ظالم و دخالت خداوند در امور، پی به اهمیت تقوا و طهارت و جبروت الاهیاتی می‌بریم. دانیال به نبوکد نصر می‌فهماند که سرانجام، خدا حکومتی را برقرار خواهد ساخت که هرگز متلاشی نخواهد گردید. خدا را آشکارا به عنوان فرمانروایی، که سلطنت او جاودانی است، تمجید خواهد نمود. دانیال خطاب به نبوکد نصر و در تأکید بر حکومت الاهی می‌گوید:

هفت زمان بر تو خواهد گذشت تا بدانی که حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می‌کند و آن را به هر که بخواهد عطا می‌فرماید لَهَذَای پادشاه نصیحت من تو را پسند آید و گناهان خود به عدالت و خطایای خویش را به احسان نمودن بر فقیران فدیسه بده که شاید باعث طول اطمینان تو باشد.^{۱۰۳}

مشاهده می‌شود که این اشتباه از سوی حاکمان صورت می‌گیرد و گمان می‌کنند که این نعمت و سلطه موقت بر جهان یا بر بخشی از جهان، از راه تلاش خودشان به دست آمده است. آنان فراموش می‌کنند که خداوند صاحب این ملک است. این حقیقت را از یاد می‌برند که با این سلطه موقت، باید به وظیفه خود عمل کنند و به اجرای عدالت پردازند. بنابراین، به صورت رؤیا تهدیدهایی بر آنان اعمال می‌شود تا این مطلب را به یاد آورند. در

رؤیا می‌فهمند که چه خواهد شد و گاهی تنبّه پیدا می‌کنند و گاهی ناچیز بودن خودشان را دیر متوجه می‌شوند. در نتیجه، برای مدتی عذاب می‌شوند، و رحمت به صورت غضب نازل می‌شود و لحظه به لحظه اراده خدا پیروز می‌شود و کسانی مانند دانیال و دوستان او، که از اراده خدا پیروی می‌کنند، پیروزند. گرچه اختلاف است که این کتاب آیا واقعا از دانیال است یا نه ولی برای همه درس است. جدای از فهم سیاسی این کتاب، بحث الاهیات و عقیدتی آن نیز، که کمتر به آن توجه می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در ابواب بعدی کتاب دانیال می‌بینیم که ایشان به کمک رؤیا و مکاشفه، ماهیت امپراتوری‌ها را به صورت دقیق‌تر و در شکل چهار جانور وحشی می‌بیند و بر او کشف می‌شود که رویای نبوکدنصر مربوط به آینده جهان است. کشیش داود طوماس مقایسه جالبی بین این دو رؤیا انجام داده و می‌نویسد: شیر اشاره به امپراتوری بابل (نظیر سر طلایی مجسمه رویای پادشاه)، خرس اشاره به امپراتوری ماد و فارس (نظیر سینه و بازوی مجسمه) و پلنگ اشاره به امپراتوری یونان (نظیر شکم و رانهای فلزی مجسمه) دارد. جانور عجیب و غیرقابل وصف چهارم دارای ده شاخ بود که با رشد یک شاخ از میان آنها سه شاخ دیگر را ریشه کن می‌شود. «و اینک این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و دهانی که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود، داشت»^{۱۰۴} این وحش اشاره به امپراتوری روم دارد. نویسنده با اشاره به اینکه بین این دو رؤیا هماهنگی وجود دارد، می‌گوید رؤیای دانیال به روزهای پایان و حکومت دجال و سپس نابودی او و برقراری حکومت الاهی اشاره دارد و آن را نظر بسیاری از مفسران کتاب مقدس می‌داند. در دانیال ۷: ۹-۱۱ می‌خوانیم:

آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگرستم تا آن وحش کشته شد و جسد او هلاک گردیده به آتش مشتعل تسلیم شد.^{۱۰۵}

در ادامه آمده است که دانیال در حال دعا مکاشفه‌ای برایش رخ می‌دهد و خطاب می‌شود: هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدّست مقرر می‌باشد تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسد و کفّاره به جهت عصیان کرده شود و عدالت جاودانی آورده شود و رؤیا و نبوت مختوم گردد و قدس‌الاقداص مسح شود.^{۱۰۶}

در باب نهم، دانیال با به گردن گرفتن گناه قوم و تضرع در درگاه الاهی بر عدالت خدا تأکید می‌کند و از خدا می‌خواهد که عذاب را از قوم خود بردارد و این می‌فهماند که نافرمانی خدا موجب نزول عذاب است و این روند در یهودیت قابل مشاهده است که ابتدا

خداوند پیامبری برای قوم می‌فرستد و قوم با سرکشی و نافرمانی، تنبیه و به عذاب تهدید می‌شود و سپس با توبه و تضرع آنان را مورد بخشش قرار می‌دهد و از عذاب آنان صرف نظر می‌کند.

پس روی خود را به سوی یهوه خدا متوجه ساختم تا با دعا و تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر مسألت نمایم و نزد یهوه خدای خود دعا کردم و اعتراف نموده گفتم: ... ما گناه و عصیان و شرارت ورزیده و تمرد نموده و از اوامر و احکام تو تجاوز کرده‌ایم. ... ای یهوه عدالت از آن تو است و رسوایی از آن ما است. چنانکه امروز شده است از مردان یهودا و ساکنان اورشلیم و همه اسرائیلیان چه نزدیک و چه دور در همه زمین‌هایی که ایشان را به سبب خیانتی که به تو ورزیده‌اند در آنها پراکنده ساخته‌ای ... تمامی این بلا بر وفق آنچه در تورات موسی مکتوب است بر ما وارد شده است؛ معهدا نزد یهوه خدای خود مسألت نمودیم تا از معصیت خود بازگشت نموده راستی تو را بفهمیم. ... ای یهوه مسألت آنکه بر حسب تمامی عدالت خود خشم و غضب خویش را از شهر خود اورشلیم و از کوه مقدس خود برگردانی.^{۱۰۷}

مقایسه کتاب مکاشفه یوحنا با کتاب دانیال

با توجه به اینکه این دو کتاب، از کتاب‌های مهم مکاشفه‌ای کتاب مقدس هستند، همچنین با توجه به اینکه نمادها و اعداد زیادی در این دو مکاشفه مشترکند و به احتمال زیاد مکاشفه یوحنا ادامه مکاشفه دانیال است، به مقایسه اجمالی آنها می‌پردازیم. برای مقایسه باید زبان، نمادها و شخصیت‌های این دو کتاب بررسی شوند که آیا حوادث مورد مکاشفه همگون هستند یا دگرگون؟ بین حوادث و حکومت چه رابطه‌ای وجود دارد؟ نقش حکومت‌ها در تفسیر حوادث چیست؟ برای مثال، در کتاب دانیال صحبت از جنگ با شریران است، و حکومت، خود وظیفه اصلاح را به عهده دارد. جنگ برای رفع حکومت ناصالح است. در کتاب دانیال، حکومت صالحان مطرح است، ولی در کتاب مکاشفه نه. در کتاب مکاشفه گاهی اعداد و رموز نیز عوض می‌شوند و گاهی اعدادی مانند عدد ۶۶۶ در هر دو یافت می‌شود. مکاشفه یوحنا به عدد وحش یا دجال اشاره می‌کند. در کتاب دانیال این عدد به طور مرموز به اندازه مجسمه طلایی نبوکد نصر مربوط می‌شود (طول ۶۰ و عرض ۶ ذراع و نواختن ۶ آلت موسیقی در برابر آن) که پیشاپیش به کار دجال اشاره می‌کند.^{۱۰۸}

به طور کلی، ادبیات مکاشفات یوحنا، ادبیات حکومت ستیزانه است و بیشتر، مردم و صالحان هستند که حضور دارند، نه فقط افراد دولتی و حکومتی. برخلاف کتاب دانیال که در پرتو اصلاح حاکمان، فرمان الاهی تحقق می‌پذیرد.

از تفاوت‌های دیگر این دو کتاب، این است که ادبیات کتاب دانیال، برخلاف مکاشفه یوحنا، بسیار زیبا و بندهای منظم و منطقی و بدون اضطرابی دارد. مشکل و مسئله در مکاشفه دانیال روشن است. مکاشفات کتاب دانیال مربوط به همان روز یا روز بعد یا هفته بعد بودند و در مدت چند روز تعبیر می‌شدند. مثلاً، برای مدتی پادشاه سردرگم می‌شد تا اصلاح شود. در کتاب دانیال دیالکتیک و جریان خاص انبیای بنی اسرائیلی حاکم است؛ یعنی همان سرگذشت انبیای بنی اسرائیلی اتفاق می‌افتد. به این صورت که خداوند نعمتی می‌دهد تا انسان‌ها هدایت شوند و تا این چنین است، خدا با آنهاست. در غیر این صورت، خداوند انذار می‌دهد و اگر پس از تهدید باز می‌گشتند، خدا توبه آنان را می‌پذیرفت. در غیر این صورت، آنان را از بین می‌برد. اگر به داستان انبیای بنی اسرائیل مراجعه کنیم، چنین روندی را مشاهده خواهیم کرد. در کتاب دانیال، تمام حوادث به صورت اسطوره‌ای و سمبلیک واقع شده است. مثلاً، قدرت به معنای خاصی بود. شرّ به صورت حیوان چند سر جلوه می‌کرد. ولی در کتاب مکاشفه، هنوز نمی‌توان پیش‌بینی کرد چه خواهد شد و حوادث هنوز رخ نداده است؛ به این معنا که دیالکتیک مکاشفه یوحنا، دیالکتیک عهد جدید است و اموری را که می‌باید زود واقع شود، ظاهر می‌سازد. در عین حال، معلوم نیست که این امور چه زمانی واقع می‌شود.

مکاشفه زکریا

در لوقا ۱: ۱۱-۲۴، جریان مکاشفه زکریا توسط فرشته یهوه، به هنگام قربانی بیان شده است. ابتدا، ترس بر او مستولی شد، ولی فرشته به گفت: برای بشارت تولد فرزند به سوی او آمده است. نشانه این مکاشفه یا رؤیا ناتوانی او بر سخن گفتن بود. کتاب زکریای نبی نیز دارای هشت رؤیاست. به لحاظ پیشگویی‌های زیادی که درباره مسیح موعود نموده، شهرت زیادی یافته است. وی در این باره می‌گوید: هنگامی که او بیاید، بر تمام دنیا سلطنت خواهد کرد. صلح و آرامش به وجود خواهد آورد. بخشی از پیشگویی‌هایش، محقق شد و بخش دیگر در زمان آمدن دوباره مسیح انجام خواهد گرفت.

مکاشفه ارمیا

ارمیا در آغاز رسالت، پیام‌هایی را از خداوند دریافت و به قوم اسرائیل بازگو می‌کند. اما مردم با او دشمنی می‌کنند. در مرحله‌ای از رسالتش به مردم یهودا هشدار می‌دهد که لشکری از سرزمین شمال آنان را مجازات خواهد نمود. اما در عین حال، درباره آینده اورشلیم نیز خبرهای امیدبخشی دارد:

اینک به این شهر عافیت و علاج باز خواهم داد و ایشان را شفا خواهم بخشید و فراوانی سلامتی و امانت را به ایشان خواهم رسانید و اسیران یهودا و اسیران اسرائیل را باز آورده ایشان را مثل اول بنا خواهم نمود ... و این شهر برای من اسم شادمانی و تسبیح و جلال خواهد بود نزد جمیع امت‌های زمین که چون آنها همه احسانی را که به ایشان نموده باشم، بشنوند.^{۱۰۹}

مکاشفه حزقیال

مکاشفات «حزقیال» در عبارات تمثیلی و روان بیان شده است. در آن پیش‌بینی می‌شود که چون دوره بدبختی قوم به پایان رسیده، زندگی آینده آنان و تجدید بنای معبد چگونه است. در آن هنگام، قوم به عبادت یهوه خواهند پرداخت. تعالیم حزقیال در باب فلسفه، عبادت و اوصاف دقیق از بنای معبد و آداب و رسوم قوم تأثیر زیادی در سیر و جریان یهود داشت.^{۱۱۰}

در کتاب مقدس، مکاشفه‌ها و رؤیاهای متفاوتی برای حزقیال بیان شده است. مکاشفه وی در زمانی رخ می‌دهد که اورشلیم ویران شده و قوم او در اسارت و تبعید به سر می‌برند. حزقیال در مکاشفه در می‌یابد که آرامش و امنیت اورشلیم و قوم او باز خواهد گشت. ابتدا، خدا با هدایت حزقیال به سرزمینی پر از استخوان‌های خشک، او را مأمور می‌کند که با آنان سخن بگوید. زنده شدن استخوان‌ها حاکی از احیای دوباره خاندان اسرائیل است. مری جوویور نیز با تأکید بر همین مطلب می‌گوید: رؤیای دره استخوان‌های خشک در حزقیال ۳۷: ۱-۱۴ به این نکته اشاره دارد.^{۱۱۱}

بر اساس باب‌های ۸ تا ۱۱، حزقیال رؤیای دیگری را می‌بیند. این رؤیا بر وعده به اخبار خوش و سعادت آمیز و بیشتر روی اورشلیم متمرکز بوده و مربوط به تفقد واقعی خدا از اسرائیل است. در این رؤیا، یکی از فرشتگان خدا حزقیال را همراهی می‌کند. وی

باید هر آنچه را می‌بیند با تبعیدیان در میان بگذارد. خدا وعده می‌دهد که برای همیشه در معبد و در میان قومش بماند.^{۱۱۲}

مکاشفه حزقیال مربوط به تفقد از قوم اسرائیل و هیکل اورشلیم است. احتمالاً، یکی از فرشتگان او را در یک سفری به بازدید هیکل، محوطه پیرامون آن، و سرزمین فلسطین می‌برد. حزقیال باز نمود هیکل و ساختمان‌های جانبی آن را مشاهده می‌کند. راهنما در حالی که چوب اندازه‌گیری در دست دارد و به دقت ابعاد دیوارهای محوطه هیکل و ساختمانهای مختلف را اندازه می‌گیرد، حزقیال را راهنمایی می‌کند.^{۱۱۳}

پیش‌گویی‌های اشعیا

پیش‌گویی‌های اشعیا مربوط به این است که یهوه از تشریفات و عبادات صوری در معبد، قربانی، مناسک روز سبت و مراسم روزهای عید متنفر است و به دعای یهود پاسخ نخواهد داد؛ زیرا دستانشان به خون آلوده است. او به مردم می‌گفت: خدای عالم زمام امور را به دست دارد و گناه‌کاران را کیفر خواهد داد. یهودیه و آشوری‌ها مجازات خواهند شد. در عین حال، او مانند هوشع معتقد بود که یهوه دارای رحم و عطف است. ... او همیشه حکمرانان اورشلیم را تهدید می‌کرد که امنیت سرزمین آنان در این نیست که بار دیگر امت‌های کافر عهد و پیمان ببندند. اشعیا با خبردادن از مکاشفات امیدبخش برای بنی‌اسرائیل، روزگار خوش و سعادت‌مندی را پس از طی شدن روزهای مصیبت برای بنی‌اسرائیل پیش‌گویی می‌کند؛ یعنی با ظهور مسیحایی از نسل داود، برای آنان روزگاری نو و مبارک در جهان پدید خواهد آمد.^{۱۱۴}

کلامی که اشعیا ابن‌آموص دربارهٔ یهودا و اورشلیم دید. و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانهٔ یهوه بر قلّه کوه‌ها ثابت خواهد شد و فوق تلّها برافراشته خواهد گردید و ... امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه‌های خویش را برای ارّه‌ها خواهند شکست امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت...^{۱۱۵}

چنان‌که می‌بینیم در این عبارات تأکید می‌شود که در دوران آخر باید برای صلح و دوستی تلاش کرد و شمشیرها را به گاو آهن و نیزه‌ها را به اره تبدیل نمود؛ حال چگونه یهود می‌تواند ادعا کند که برای ایجاد دولت اسرائیل یا حمایت از آن خون انسان‌های بی‌گناه را

بریزد؟! با این توصیف هرگز یهود نمی‌تواند از این پیش‌گویی‌ها به سود خود بهره‌بردار. مشابه این بیان در میکاه ۴: ۴ نیز آمده است.

آغاز باب ۲۱ کتاب اشعیا نیز همراه با تهدید است و رؤیای سختی را شرح می‌دهد: «چنانکه گردباد در جنوب می‌آید، این نیز از بیابان، از زمین هولناک می‌آید.»^{۱۱۶} پیشگویی اسارت بابل در اشعیا (۳۹: ۱-۸) بیان شده است. بابل در روزگار اشعیا هنوز به صورت برترین قدرت جهانی در نیامده بوده با وجود این، یهوه در همان وقت پیش‌گویی می‌کند که هنگامی که به قدرت برسد، از قدرتش سوء استفاده خواهد کرد. اشعیا در ادامه می‌گوید: «رؤیای سخت برای من منکشف شده است، خیانت پیشه خیانت می‌کند و تاراج‌کننده تاراج می‌نماید.»^{۱۱۷}

مکاشفه ایلیا

ایلیا با دیدن حوادث سخت طبیعی نگران می‌شود. ولی بعد در می‌یابد که حوادث به ظاهر ناخوشایند نیز نشان لطف خدا است و مکاشفه خدا همیشه در طوفان و سیل زلزله و آتش ویران‌گر نیست. و آنها صرفاً نشان داوری اوست. حضور خدا غالباً در ندای آرام و خاموش قلب انسان است که می‌تواند رسالت‌آور باشد. این ندا، می‌تواند پیروزی نهایی خداوند را تضمین کند. وی همچنین نابودی اخاب و ملکه‌اش را، که مرتکب قتل ظالمانه شده بودند، پیش‌بینی نمود. بدین ترتیب، بر یهوه عدالت‌خواه تأکید عملی کرد.^{۱۱۸}

مکاشفه حبقوق

آغاز کتاب حبقوق با واژه «وحی» و درباره مجازات قوم خویش است. حبقوق می‌گوید: خدا از یک ملت بیگانه (دشمن شمالی و بابلی‌ها) برای تنبیه و مجازات قوم استفاده می‌کند. و این را نیز می‌گوید که خداوند به موقع خود، بابلی‌ها را نیز، که بدتر از یهودیان هستند، نابود خواهد کرد. مکاشفه این نبی نیز تأیید دیگری است بر این که قوم سرکش و متهمرد یهود در اثر شرارت تنبیه خواهد شد و این شرارت‌ها خود مانع تحقق وعده‌های شادی آفرین و خوش خواهد شد. در قسمتی دیگر از این کتاب می‌خوانیم: وقتی که حبقوق از ظلم پیش‌خدا شکایت می‌کند، منتظر جواب یهوه می‌ماند:

پس یهوه مرا جواب داد و گفت: رؤیا را بنویس و آنرا بر لوح‌ها چنان نقش نما که دونده آنرا بتواند خواند؛ زیرا که رؤیا هنوز برای وقت معین است و به مقصد می‌شتابد و دروغ نمی‌گوید. اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود.^{۱۱۹}

پیش‌گویی هوشع

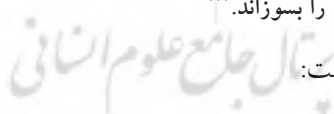
این پیامبر قوم یهود، از نارضایتی یهوه از رفتار ناپسند قوم خود می‌گوید و آنان را به خیانت و بی‌وفایی محکوم می‌کند و جزای آنان را این می‌داند که به دست دیگران کیفر شوند. جان بی‌ناس می‌گوید: که اگر هوشع زنده بود، مصیبت و بلایای حمله آشوری‌ها را بر سلطنت شمالی، یعنی اسرائیل می‌دید و یقین می‌کرد که خداوند بر قوم او غضب کرده و پیش‌گویی‌های او محقق شده است.^{۱۲۰} همچنین در این کتاب، برای بیان رابطه موجود بین اسرائیل و خدا، از رابطه زناشویی به عنوان نماد استفاده شده و خدا داماد و اسرائیل عروس بی‌وفای او است! خدا به هوشع می‌گوید: با زنی به نام گومر ازدواج نماید و گومر، طبق پیش‌گویی خداوند، به هوشع خیانت می‌کند. تفسیر آن این است که قوم اسرائیل خدا را ترک گفته و به دنبال خدایان دیگر رفته است. ولی هوشع با وجود خیانتی که گومر کرده، او را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهد.

پیش‌گویی عاموس

باب اول تا پنجم کتاب عاموس، حاوی اخبار تهدیدآمیز است که الهامات قلبی خود را به صورت کلمات موزون بیان می‌کند.^{۱۲۱} بیشتر موعظه‌ها و پیش‌گویی‌های او مربوط به پایتخت حکومت شمالی اسرائیل، سامره است و نشان می‌دهد که تاسیس دولت یهود و آن وعده‌های امیدبخش قوم تحقق نخواهد یافت. خطاب شدید یهوه درباره یهودا و اورشلیم را ببینید:

خداوند چنین می‌گوید: به سبب سه و چهار تقصیر یهودا عقوبتش را نخواهم برگردانید زیرا که شریعت خداوند را ترک نموده، فرایض او را نگاه نداشتند و دروغ‌های ایشان که پدرانشان آنها را پیروی نمودند ایشان را گمراه کرد. پس آتش بر یهودا خواهم فرستاد تا قصرهای اورشلیم را بسوزاند.^{۱۲۲}

همچنین درباره سامره آمده است:



ای گاوان باشان که بر کوههای سامره می‌باشید و بر مسکینان ظلم نموده فقیران را ستم می‌کنید و به آقایان ایشان می‌گوئید: بیاورید تا بنوشیم. این کلام را بشنوید: خداوند یهوه به قدوسیّت خود قسم خورده است که اینک ایامی بر شما می‌آید که شما را با غل‌ها خواهند کشید و باقی ماندگان شما را با قلاب‌های ماهی (عاموس ۴: ۱-۲).

عوبدیا

این کتاب، کوچک‌ترین کتاب عهد عتیق است و با رؤیای عوبدیا درباره ادم آغاز می‌شود که یهوه از آینده این قوم به او خبر می‌دهد: «... اگر چه خویشتن را مثل عقاب بلندسازی و آشیانه خود را در میان ستارگان بگذاری، من تو را از آنجا فرود خواهم آورد.» (عوبدیا ۱: ۵) و در ادامه می‌خوانیم:

زیرا که روز یهوه بر جمیع امت‌ها نزدیک است. چنان‌که عمل نمودی همچنان به تو عمل کرده خواهد شد ... اما بر کوه صهیون نجات خواهد بود و مقدّس خواهد شد و خاندان یعقوب میراث خود را به تصرف خواهند آورد.^{۱۲۳}

صهیون در کتاب مقدس به صورت مکرر و در معانی گوناگون آمده و بیشتر در کتب نبوتی یافت می‌شود تا کتب تاریخی. معانی صهیون عبارتند از^{۱۲۴}:

۱. کوه پر آفتاب یا خشک؛
۲. همه شهر اورشلیم (مزامیر ۱۴۹: ۲ و یوئیل ۲: ۱)؛
۳. کلیسا (عبرانیان ۱۲: ۲۲)؛
۴. شهر مقدّس آسمانی (مکاشفه ۱۴: ۱)؛
۵. آرزوی قوم خداوند که نظر مشهور عالمان است؛
۶. «شهر داود» یا «شهر علیا» (اول پادشاهان ۸: ۱) چنان‌که برخی مورخان آن را نام می‌نهند؛

هم اکنون یهودیان افراطی که طرفداران تشکیل دولت یهود هستند بر معنایی تأکید می‌کنند که منجی یهود در آن محل ظهور می‌کند و وعده‌ها و پیش‌گویی‌های انبیای یهود محقق می‌شود.

اما آیا عبادت و پرستش یهوه و نجات می‌تواند محدود به صهیون شود؟ در اشعیا ۶۶: ۱-۲ می‌خوانیم که جای خاصی برای این امر در نظر گرفته نشده است: «یهوه چنین می‌گوید: آسمان‌ها کرسی من و زمین پای‌انداز من است پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید

کجاست؟ و مکان آرام من کجا؟ یهوه می‌گوید: دست من همه این چیزها را ساخت پس جمیع این‌ها به وجود آمد اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد نظر خواهم کرد».

آیا نجات و تقدس آن مطلق است؟ در عهد عتیق می‌خوانیم که صهیون، خود نیز مورد غضب خداوند بوده است و انتظار روزهای مصیبت‌بار و سختی می‌کشد و همانند دیگر وعده‌های آخرالزمانی مشروط به بازگشت قوم به خدا و توبه از گناهان است:

در صهیون کَرَنًا بنوازید و در کوه مقدس من صدا بلند کنید! تمامی ساکنان زمین بلرزند زیرا روز یهوه می‌آید و نزدیک است. روز تاریکی و ظلمت روز ابرها و ظلمتِ غلیظ مثل فِجْرِ منبسط بر کوه‌ها! ... از حضور ایشان زمین، متزلزل و آسمانها مرتعش می‌شود آفتاب و ماه سیاه می‌شوند و ستارگان نور خویش را باز می‌دارند. و یهوه آواز خود را پیش لشکر خویش بلند می‌کند ... زیرا روز یهوه عظیم و بی‌نهایت مهیب است و کیست که طاقت آن را داشته باشد.^{۱۲۵}

رؤیای ناحوم

این کتاب بیان می‌کند کسانی که بر خدا توکل دارند، در روز غضب وی نجات یافته و دشمنان او کاملاً نابود خواهند گردید (۱: ۱-۸). گرچه برخی در مورد تحقق پیشگویی ناحوم تردید داشتند، ولی او بر قطعی بودن داوری خدا تأکید و نابودی آشوری‌ها را پیشگویی می‌کند که با آن، حتی نام آنها نیز از صحنه تاریخ محو خواهد شد. همچنین با تجسمی زیبا، از آمدن مبشران با خبرهای خوش سخن می‌گوید (۱: ۱۵).^{۱۲۶}

پیش‌گویی صفینا

«صفینا» نام یکی از انبیای کوچک و پسر کوشی، به معنای مخفی شده توسط یهوه است که حدود سال ۴۳۰ یا ۴۶۰ ق.م.^{۱۲۷} نبوت می‌کرد. نبوت‌های او عبارتند از: انهدام نینوا، تهدید «بعلیان» و «چماریم»، نبوت علیه بت‌پرستان یهودا و کاهنان و پیامبران شرارت پیشه و تنبه اورشلیم.^{۱۲۸}

دست خود را بر یهودا و بر جمیع سکنه اورشلیم دراز می‌نمایم. و بقیه بعل و اسمهای مؤبدان و کاهنان را از این مکان منقطع می‌سازم... در آنوقت اورشلیم را به چراغها تفتیش خواهم نمود و بر آنانی که بر دردهای خود نشسته‌اند و در دل‌های خود می‌گویند یهوه نه نیکویی می‌کند و نه بدی، عقوبت خواهم رسانید.^{۱۲۹}

در جای دیگر می‌خوانیم:

وای بر شهر فتنه‌انگیز نجس ظلم کننده! آواز را نمی‌شنود و تأدیب را نمی‌پذیرد و بر خداوند توکل نمی‌نماید و بر خدای خود تقرّب نمی‌جوید... کاهنش قدس را نجس می‌سازند و به شریعت مخالفت می‌ورزیدند. خداوند در اندرونش عادل است و بی‌انصافی نمی‌نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می‌سازد و کوتاهی نمی‌کند اما مرد ظالم حیا را نمی‌داند امتها را منقطع ساخته‌ام که برج‌های ایشان خراب شده است و کوجه‌های ایشان را چنان ویران کرده‌ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است.^{۱۳۰}

پیش‌گویی یوئیل

«یوئیل» نام یکی از انبیای کوچک و پسر فوئیل است. وی حدود سال ۷۵۰ ق.م تبوت می‌کرد. او این کتاب را برای مردم یهودا می‌نویسد و تأکید می‌کند که خداوند بالای وحشتناکی (هجوم ملخ) خواهد فرستاد تا مردم یهودا را تنبیه کند. در این کتاب نبوت‌هایی درباره فراوانی نعمت و فیض روح‌القدس و نشانه‌ها و عجایب و کامیابی روحانی ملکوت مسیح در زمان آخر است و از روز داوری سخن می‌گوید.^{۱۳۱}

ای کاهنان پلاس در بر کرده نوحه‌گری نمایید وای خادمان مذبح ولوله کنید... مشایخ و تمامی ساکنان زمین را به خانه یهوه خدای خود جمع نموده نزد یهوه تضرع نمایید. وای بر آن روز زیرا روز یهوه نزدیک است و مثل هلاکتی از قادر مطلق می‌آید.^{۱۳۲} چنان که گفته شد سنت یهوه در عهد عتیق این است که قوم را دعوت می‌کند و در صورت نافرمانی، آنان را تهدید نموده و اگر توبه کردند به آنان وعده برکت و کامیابی می‌دهد و می‌گوید:

پس یهوه برای زمین خود به غیرت خواهد آمد و بر قوم خویش شفقت خواهد نمود... ای زمین مترس! وجد و شادی بنما زیرا یهوه کارهای عظیم کرده است. ای بهایم صحرا مترسید زیرا که مرتع‌های بیابان سبز شد و درختان میوه خود را آورد... بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رؤیاها خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهم ریخت. و آیات را از خون و آتش و ستونهای دود در آسمان و زمین ظاهر خواهم ساخت. آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب یهوه. و واقع خواهد شد هر که نام یهوه را بخواند نجات یابد...^{۱۳۳}

می‌بینیم در همه مواردی که بشارتی به آینده روشن یهود مطرح شده همراه با تهدید و عذاب و تنبیه است و این روند با ادامه نافرمانی‌های آنان و بی‌اعتنایی به آموزه‌های عدالت‌خواهانه انبیا تکرار خواهد شد و در صورتی که این قوم به ظلم خود ادامه دهند بر اساس بیان عهد عتیق یهوه دعای آنان را نخواهد شنید.

ملاکی

ملاکی به معنای «رسول یهوه»، دوازدهمین پیامبر کوچک و آخرین نویسنده عهد عتیق است. وی حدود سال ۴۱۶ ق.م در اواخر نبوتش، آمدن یحیی تعمید دهنده و همچنین آمدن دوباره مسیح را پیش‌گویی می‌کند.^{۱۳۴} این کتاب، آخرین کتاب عهد عتیق است که در پایان از آمدن مسیح موعود و روز داوری خدا خبر می‌دهد:

زیرا اینک آن روزی که مثل تنور مشتمل می‌باشد، خواهد آمد و جمیع متکبران و جمیع بدکاران، گاه خواهند بود و یهوه صباوت می‌گوید: آن روز که می‌آید ایشان را چنان خواهد سوزانید که نه ریشه و نه شاخه‌ای برای ایشان باقی خواهد گذاشت. ... تورات بنده من موسی را که آنرا با فرایض و احکام به جهت تمامی اسرائیل در حوریب امر فرمودم، به یاد آورید.^{۱۳۵}

در این پیش‌گویی نیز همانند بیشتر نبوتها سخن از روزهای سخت پایان دوران برای متکبران و بدکاران است و در این باره در کتاب دانیال گفته شد که خداوند متکبران را چگونه تنبیه خواهد نمود.

فرجام سخن

پیش‌گویی در آیین یهود، امری انکارناپذیر است. این پیش‌گویی‌ها، درباره قوم یهود و آینده اورشلیم می‌باشد: برخی بشارت به آینده روشن و خوش و بازسازی اورشلیم است و برخی از مکاشفه‌ها و روایا نیز به سرنوشت بد و ناکامی یهود اشاره داشته و آینده‌ای تاریک را برای آنان رقم می‌زند. دیدیم که مکاشفه‌هایی مانند مکاشفه دانیال قاعده‌ای کلی ارائه می‌دهد که حاکمان در هر زمان نیازمند یک راهنمای الهی‌اند تا در زمان لازم انذار کند و خداوند هر حاکم ستمگر و از خدا غافل را تنبیه خواهد نمود (دانیال ۴: ۲۵-۲۷).

با توجه به این همه هشدار و تنبیه‌های الهی در پیش‌گویی‌های دیگر انبیای یهود باید گفت اکنون یهودیت صهیونیستی که صرفاً از بخش‌هایی از این مکاشفات که به سود یهود

است استفاده می‌کند، با تمسک به آنها و برای تاسیس دولت یهود دست به کشتار می‌زند، در حقیقت از تعالیم عهدعتیق و آموزه‌های اخلاقی فاصله گرفته است. همچنین دیدیم که بسیاری از پیش‌گویی‌ها درباره آینده روشن یهود، با پیش‌گویی درباره فرجام بد و رسوایی آنان به ویژه گناه‌کاران و کسانی که به تعالیم انبیا و اصول اخلاقی و انسانی بی‌توجه هستند، همراه است و در گذشته چنین پیش‌گویی‌های محقق شده و چه بسا در آینده نیز همین‌گونه خواهد شد. علاوه بر این باید گفت که بر اساس متون مقدس یهود، پیش‌گویی‌ها و اخبار خوش درباره آینده یهود مشروط به رعایت اصول اخلاقی و انسانی به ویژه پایان‌دادن به ظلم و جنایت نسبت به غیر یهود است چرا که در سفر خروج آمده است: بر شخص غریب ظلم منما زیرا که از دل غریبان خبر دارید چون که در زمین مصر غریب بودید.^{۱۳۶} بنابراین یهود باید به همه پیامدهای مکاشفات و پیش‌گویی‌های انبیای خود پایبند باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. مکاشفه‌ای.
۲. ایزیدور اپستاین، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۵۵.
3. Revelation
۴. الزبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۲، ص ۴۵۶.
۵. محمد داوود قیصری رومی، *شرح فصوص الحکم*، ص ۱۰۷.
۶. همان، ص ۱۰۷.
۷. قباله، قبله، یا قبلا (CABBALA) واژه‌ای عبری و قدیمی است که ۱۹ قرن است نزد یهود، با مفهوم سری‌اش شناخته شده است.
۸. آدین اشتاین سالتز، *سیری در تلمود*، ترجمه باقر طالبی، ص ۳۰۹.
۹. ایزیدور اپستاین، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.
10. Jan Van Bragt, *Apocalyptic Thought in Christianity and Buddhism*, p5.
<http://nirc.nanzan-u.ac.jp/publications/miscPublications/I-R/pdf/31-Van%20Bragt.pdf>
11. Stephen Cook.
12. Apocalypticism.
13. Proto apocalyptic.
14. Sarah Robinson *The Origins of Jewish Apocalyptic Literature: Prophecy, Babylon, and 1 Enoch*, Florida, 2005, p4. at: <<http://etd.fcla.edu/SFSFE0001120Robinson-Sarah-thesis.pdf>>
۱۵. (baraita) سنت‌های باستانی شفاهی یهوداند.
۱۶. (gillayon) به معنای لوح بزرگ است چنان که در اشعیا: ۱ آمده است: و یهوه مرا گفت: «لوحی بزرگ به جهت خود بگیر»
۱۷. شایات، ۱۱۶.
۱۸. تنائیم جمع تنا (Tanna)، در زبان آرامی به معنای معلم است و بر علمای یهود که پس از هلیل و شمای می‌زیسته‌اند، اطلاق می‌گردد.
19. David Flusser, "Apocalyptic Literature", *Encyclopedia Judaica*, Ed By: Fred Skolnik, Macmillan Reference, USA, 2007, Vol.3, p.179.
20. Eschatology.
۲۱. عبدالوهاب المسیری، *دائرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای تاریخ خاور میانه، ج ۵، ص ۲۹۹.
۲۲. ر.ک: *معرفی عهد جدید*، ج ۲، رسالات یوحنا، ص ۱۱ - ۱۲۹.
۲۳. زکریا أبو الحسین أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۶، ص ۹۳.
۲۴. الراغب الأصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۵۱۵ - ۵۱۶.
۲۵. خروج ۶: ۱۲.
۲۶. اعداد ۲۴: ۲ - ۴.
۲۷. «زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱: ۲۱)

۲۸. «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدّد و طریقه‌های مختلف به وساطت انبیاء به پدران ما تکلم نمود» (عبرانیان ۱: ۱).
۲۹. «لیکن چون زمان به کمال رسید خدا پسر خود را فرستاد که از زن زائیده شد و زیر شریعت متولد (غلاطیان ۴: ۴).
۳۰. «زیرا به موسی می‌گوید رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم و رأفت خواهم نمود بر هر که رأفت نمایم» (رومیان ۹: ۱۵).
۳۱. قاموس الكتاب المقدس، مجمع الكنائس الشرقية، ج ۶، ۱۹۸۱، مكتبة المشغل، بيروت، ص ۱۰۲۱.
32. Dream, vision.
۳۳. سیدعلی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۷.
۳۴. و شأول از یهوه سؤال نمود و یهوه او را جواب نداد نه به خواب‌ها و نه به اوریم و نه به انبیا. (سموییل ۲۸: ۶)
۳۵. و خدا در رؤیای شب بر آبی ملک ظاهر شده به وی گفت: «اینک تو مرده‌ای بسبب این زن که گرفتی زیرا که زوجه دیگری می‌باشد». (پیدایش ۲۰: ۳-۶)
۳۶. پیدایش ۲۸: ۱۲ - ۱۵
۳۷. و خوابی دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده که سرش به آسمان میرسد و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند.
۳۸. اعمال رسولان ۱۸: ۹
۳۹. شبی خداوند در رؤیا به پولس گفت ترسان مباش بلکه سخن بگو و خاموش مباش.
۴۰. و در شب همان روز خداوند نزد او آمده گفت ای پولس خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشلیم در حق من شهادت دادی همچنین باید در روم نیز شهادت دهی.
۴۱. زیرا که دوش، فرشته آن خدائی که از آن او هستم و خدمت او را می‌کنم به من ظاهر شده.
۴۲. جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۴۳۳.
۴۳. انگاه در عالم رؤیا به مقدس خود خطاب کرده گفتی که نصرت را بر مردی زورآور نهادم.
۴۴. جائی که رؤیا نیست قوم گردنکش می‌شوند.
۴۵. رؤیای اشعیا بن آموس که آن را در باره یهودا و اورشلیم و در روزهای عزیا و یوتان و آحاز و حزقیا پادشاهان یهودا دید.
۴۶. بطرس عبد الملک، جون الکساندر طمسین، ابراهیم مطر، قاموس الكتاب المقدس، مجمع الكنائس الشرقية، ص ۳۹۴.
47. Prophecy.
۴۸. الزبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۲۵۵.
۴۹. الراغب الأصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ص ۴۸۱.
۵۰. الباس علیایی، دایرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۶۳.

۵۱. جلال الدین آستینانی، تحقیقی در دین یهود، ص ۳۲۷.

۵۲. الراغب الأصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ص ۴۸۱.

53. predictor.

54 Prophet

۵۵. تثنیه ۳۱: ۱۶-۲۱

۵۶. اول تواریخ ۱۱: ۶ و ۵

۵۷. مانند اشعیا: ۱-۱۳

۵۸. مانند اول سموئیل: ۳

۵۹. بطرس عبد الملک و ... قاموس الكتاب المقدس، ص ۹۴۹.

۶۰. تثنیه ۳۱: ۱۶ - ۲۱

۶۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۳۱.

۶۲. رابرت ا. هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۲۹۰.

63. C.f. ITHAMAR GRUENWALD, "Jewish Apocalypticism to the Rabbinic Period", Encyclopedia of Religion, Ed by: Mircea Eliade, New York, Macmillan publishing company, 1987, Vol. 1, p. 336.

۶۴. رابرت ا. هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۲۹۰.

۶۵. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۳۱.

۶۶. ساموئل شولتز، عهد عتیق سخن می گوید، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۷.

۶۷. «و گفت: روی مرا نمیتوانی دید زیرا انسان نمیتواند مرا ببیند و زنده بماند». (خروج ۳۳: ۲۰) همچنین در مکاشفه یوحنا این ویژگی وجود دارد: «و چون او را دیدم مثل مرده پیش پای هایش افتادم. (یوحنا: ۱: ۱۸)». این ویژگی در ادیان توحیدی مشترک است. در قرآن نیز درباره حضرت موسی می خوانیم وقتی خدا بر او تجلی نمود بیهوش شد: «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا» (اعراف، ۱۴۳).

68. Essenians.

۶۹. مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۶۶.

۷۰. همان، ص ۶۸.

۷۱. عاموس ۲: ۷ و اشعیا ۶۱: ۱

۷۲. روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم.

73. Apocalyptic literature.

74. Dogmatic literature.

75. Wisdom literature.

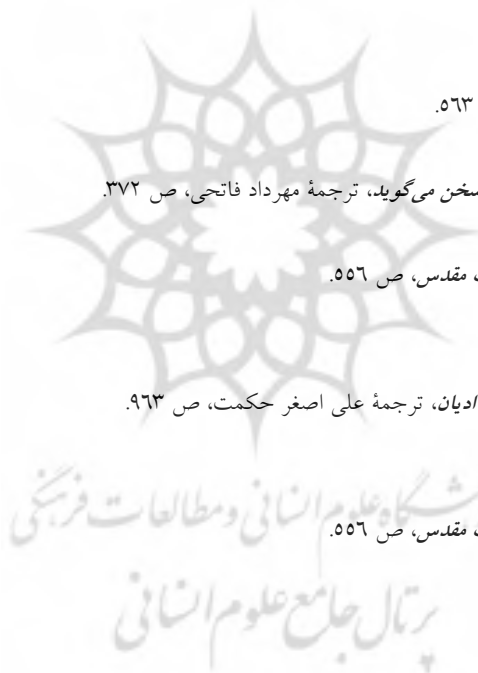
76. ITHAMAR GRUENWALD, "Jewish Apocalypticism to the Rabbinic Period", Encyclopedia of Religion, Ed by: Mircea Eliade, New York, Macmillan publishing company, 1987, Vol.1, p.338.

77. Millenarianism.

78 the Book of Watchers

79. "Jewish Apocalypticism to the Rabbinic Period", Encyclopedia of Religion, Vol.1, p.335.
80. Sarah Robinson the Origins of Jewish Apocalyptic Literature: Prophecy, Babylon, and 1 Enoch, Florida, 2005, p4. at: <http://petd.fcla.edu/SFSFE0001120Robinson_Sarah_thesis.pdf>
81. Deutero - canonical.
82. JOHANNES DENINGER, Encyclopedia of Religion, Ed by: Mircea Eliade, New York, Macmillan publishing company, 1987, REVELATION, Vol.12, p.356.
83. Incarnation.
84. Jan Van Bragt, Apocalyptic Thought in Christianity and Buddhism, p4 — 5. at: <http://nirc.nanzan_u.ac.jp/publications/misc/PublicationsI_Rpdf31_Van%20Bragt.pdf>
- ۸۵ او یکی از جوانانی است که کتاب دانیال از آن نام برده و در سال ۶۰۴ قبل از میلاد اسیر شد. نام او حنینا یا حننیا (به معنای خداداد) بود.
۸۶. جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۱۹.
- ۸۷ او بابل را از عذاب الاهی برای قوم خبر داد و به هنگام بازگشت به اورشلیم دستگیر و به زندان برده شد
- ۸۸ همان، ص ۱۵۷.
۸۹. أحمد الشلبي، مقارنة الأديان؛ اليهودية، ص ۱۵۶.
90. Antiochus Epiphanes.
91. Jan Van Bragt, Apocalyptic Thought in Christianity and Buddhism, p5. <http://nirc.nanzan_u.ac.jp/publications/misc/PublicationsI_Rpdf31_Van%20Bragt.pdf>
۹۲. نام حقیقی خانواده «مکابیان»، «حسمونیان» از «حسمون» است که پدر جَد «متاتياس» و از پسران «یهویاریب» است. (قاموس کتاب مقدس، ص ۸۲۷)
93. David Flusser, "Apocalyptic Literature", Encyclopedia Judaica, Ed By: Fred Skolnik, Macmillan Reference, USA, 2007, Vol.3, p.179.
۹۴. جولیس کریستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، ص ۴۵.
۹۵. مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۶۵.
۹۶. عبدالوهاب المسیری، دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاور میانه، ج ۵، ص ۳۰۳.
۹۷. ساموئل شولتز، عهد عتیق سخن می‌گوید، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۳۳۶.
۹۸. دانیال ۲: ۲۸
۹۹. دانیال ۲: ۴۶-۴۸
۱۰۰. همان، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۳۳۹.
۱۰۱. داود طوماس، تفسیر کتاب دانیال نبی، ص ۲۱.
۱۰۲. دانیال ۷: ۴
۱۰۳. دانیال ۴: ۲۵ - ۲۷
۱۰۴. دانیال ۷: ۸
۱۰۵. همان، ص ۲۱.

- ۱۰۶ دانیال ۹: ۲۵
- ۱۰۷ دانیال ۹: ۴-۱۶
۱۰۸. همان، ص ۲۵.
- ۱۰۹ ارمیاء ۳۳: ۵ - ۸
۱۱۰. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۳۱.
۱۱۱. مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۵۴.
۱۱۲. ساموئل شولتز، عهد عتیق سخن می گوید، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۳۳۴
۱۱۳. همان، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۳۳۴.
۱۱۴. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۱۴.
- ۱۱۵ اشعیا، ۲: ۱ - ۴
- ۱۱۶ همان، ۲۱: ۱
- ۱۱۷ همان، ۲۱: ۲
۱۱۸. اپستاین، ایزیدور، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۴۲.
- ۱۱۹ حقیوق: ۲: ۲-۳
۱۲۰. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۱۰.
۱۲۱. همان، ص ۵۰۸.
- ۱۲۲ عاموس ۲: ۳-۵
- ۱۲۳ عوبدیا ۱: ۱۵-۱۷)
۱۲۴. قاموس کتاب مقدس، ص ۵۶۳.
- ۱۲۵ یوئیل ۲: ۱-۱۱
۱۲۶. ساموئل شولتز، عهد عتیق سخن می گوید، ترجمه مهرداد فاتحی، ص ۳۷۲.
۱۲۷. همان، ص ۳۸۴.
۱۲۸. جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۵۶.
- ۱۲۹ صفنیا ۱: ۵-۱۳
- ۱۳۰ همان، ۳: ۱-۵
۱۳۱. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۹۶۳.
- ۱۳۲ یوئیل ۱: ۱۴-۱۶
- ۱۳۳ همان، ۲: ۱۹-۳۲
۱۳۴. جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۵۶.
- ۱۳۵ ملاکی ۴: ۱-۵
- ۱۳۶ خروج ۲۳: ۹ و ۲۳: ۲۱



منابع

- ابن فارس، أبو الحسین أحمد، زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴.
- ایستاین، ایزیدور، یهودیت، بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.
- اشتاین سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، و مذاهب، ۱۳۸۳.
- بطرس عبد الملک و ... قاموس الكتاب المقدس، مجمع الكنائس الشرقية، بیروت، ۱۹۸۱.
- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- الراغب الأصفهانی، أبی القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴.
- الزبیدی، تاج العروس، تحقیق علی شیری، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ج ۲، ۱۴۱۴.
- الشلبی، أحمد، مقارنۃ الأديان، اليهودية، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۷۳.
- شولتز، ساموئل، عهد عتیق سخن می‌گوید، ترجمه مهرداد فاتحی، تهران: ۱۳۸۱.
- قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۳، ۱۳۸۷.
- قیصری رومی، محمد داوود، شرح فصوص الحکم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ناس، جان‌بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر همت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ه.ش.
- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- هیوم، رابرت ا، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- المسیری، عبدالوهاب، دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای تاریخ خاور میانه، ج ۵، ۱۳۷۴.
- علیایی، الیاس، دایرةالمعارف کتاب مقدس، بهرام محمدیان و دیگران، تهران، سرخدار، ۱۳۸۱.
- آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، نگارش، تهران، ۱۳۶۸.
- گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، قم، ۱۳۷۷.
- داود طوماس، تفسیر کتاب دانیال نبی، حیات ابدی، تهران، بی تا.
- Itamar Gruenwald, Jewish Apocalypticism to the Rabbinic Period, *Encyclopedia of Religion*, Ed by Mircea Eliade, New York, Macmillan publishing company, 1987.
- David Flusser, Apocalyptic Literature, *Encyclopedia Judaica*, Ed By: Fred Skolnik, Macmillan Reference, USA, 2007.
- Sarah Robinson, *The Origins of Jewish Apocalyptic Literature: Prophecy, Babylon, and 1 Enoch*, Florida, 2005. <<http://petd.fcla.edu/SFSFE0001120/Robinson-Sarah-thesis.pdf>>
- Jan Van Bragt, *Apocalyptic Thought in Christianity and Buddhism*. < <http://nirc.nanzan-u.ac.jp/publications/misc/PublicationsI-Rpdf31-Van%20Bragt.pdf>>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی